



ادله اثبات در دعاوی حقوقی و کیفری

حجت الله فتحي
استاديار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
بهار ۱۳۹۹

فتحی، حجت‌الله، ۱۳۴۶-
عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام
ادله اثبات در دعاوی حقوقی و کیفری / حجت‌الله فتحی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
دوازده، ۲۳۵ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۲۵: حقوق؛ ۵۳)
بها: ۲۵۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۲۲۱] ۲۲۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. ادله اثبات دعوی -- ایران. ۲. Evidence, Demonstrative-- Iran. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
KMH۱۷۸۰ ۳۴۷/۵۵۰۶۴
شماره کتابشناسی ملی ۶۰۵۳۱۱۸



ادله اثبات در دعاوی حقوقی و کیفری

مؤلف: حجت‌الله فتحی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیده حسینیان

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱، ص. پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، ب. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۲۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان متن درس «ادله اثبات دعوی» در مقطع کارشناسی برای رشته‌های «حقوق»^۱ و «فقه و حقوق اسلامی»^۲ فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین حجت‌الله فتحی و نیز از ارزیابان محترم آقایان دکتر علیرضا آذربایجانی و حجت‌الاسلام دکتر محمد حبیبی تبار سپاسگزاری کند.

۱. براساس برنامه بازنگری شده در یکصد و دهمین جلسه مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۳ شورای تحول و ارتقای علوم انسانی.
۲. براساس برنامه بازنگری شده مورخ ۱۳۹۶/۲/۳ گروه حوزوی مورد تأیید شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: کلیات

۱. تعاریف (دلیل، اثبات، دعوی)..... ۳
۲. تاریخچه، فایده و اهمیت..... ۴
۳. منابع..... ۵
- ۳-۱. منابع قانونی..... ۵
- ۳-۱-۱. قانون اساسی..... ۵
- ۳-۱-۲. قانون مدنی..... ۵
- ۳-۱-۳. قانون آیین دادرسی مدنی (مواد ۱۹۴ تا ۲۹۴)..... ۶
- ۳-۱-۴. قانون آیین دادرسی کیفری..... ۶
- ۳-۱-۵. قانون تجارت..... ۶
- ۳-۱-۶. قانون تجارت الکترونیکی..... ۷
- ۳-۱-۷. قانون مجازات اسلامی..... ۷
- ۳-۱-۸. قانون ثبت..... ۸
- ۳-۱-۹. سایر قوانین..... ۹
- ۳-۱-۱۰. منابع فقهی..... ۹
- ۳-۲. قلمرو زمانی و مکانی قوانین حاکم بر ادله..... ۱۰
- ۳-۲-۱. ادله از پیش فراهم شده..... ۱۱
- ۳-۲-۲. ادله اتفافی..... ۱۲
۴. نقش دادرس و اصحاب دعوی در اداره ادله اثبات..... ۱۳
- ۴-۱. نقش دادرس..... ۱۳
- ۴-۲. نقش اصحاب دعوی..... ۱۳
۵. ویژگی موضوع ادله اثبات و شیوه‌های اثبات..... ۱۳
- ۵-۱. ویژگی موضوع ادله اثبات..... ۱۳

۱۴	۵-۲. شیوه اثبات
۱۴	۵-۲-۱. اثبات مستقیم و غیرمستقیم
۱۵	۵-۲-۲. اثبات امر وجودی و امر عدمی
۱۷	۶. وظیفه اثبات دعوی و دلیل
۱۸	۷. انقلاب دعوی
۱۹	۸. معافیت از اقامه دعوی و دلیل
۱۹	۹. تأمین دلیل، شرایط و اعتبار آن
۲۱	۹-۱. شروط تأمین دلیل
۲۱	۹-۱-۱. موجود بودن دلیل
۲۱	۹-۱-۲. متعذر یا متعسر بودن استفاده بعدی از دلیل
۲۱	۹-۱-۳. درخواست تأمین دلیل
۲۲	۱۰. قاعده تحمل بار اثبات دلیل
۲۲	۱۰-۱. نقش دادرس
۲۳	۱۰-۲. اصل بی طرفی دادرس
۲۴	۱۱. قاعده منع تحصیل دلیل و اصول حاکم بر آن
۲۴	۱۱-۱. تحصیل دلیل در امور مدنی
۲۵	۱۱-۲. تحصیل دلیل در امور کیفری
۲۵	فرض اول: جرائم قابل گذشت
۲۷	فرض دوم: جرائم غیرقابل گذشت
۲۷	۱۱-۳. تحصیل دلیل و ارتباط آن با علم قاضی
۲۸	۱۱-۴. تحصیل دلیل و وظیفه قاضی در کشف حقیقت
۳۱	۱۱-۵. تحصیل غیرقانونی دلیل
۳۴	۱۱-۶. تمییز ادله دعوی و ادله حکم
۳۵	۱۱-۷. ارزیابی و پذیرش ادله از سوی قاضی (طریقت یا موضوعیت ادله)
۳۷	۱۲. مقایسه اثبات و ادله اثبات مدنی و کیفری
۳۷	۱۲-۱. تشابهات
۳۷	۱۲-۲. تفاوتها
۳۷	۱۲-۲-۱. از نگاه کلی
۳۷	۱۲-۲-۱-۱. از جهت تحصیل و اقامه دلیل
۳۸	۱۲-۲-۱-۲. از جهت هدف رسیدگی و استناد به ادله
۳۹	۱۲-۲-۲. تفاوتهای اقرار و شهادت در امور مدنی و کیفری
۳۹	۱۲-۲-۲-۱. تفاوتهای اقرار در امور مدنی با اقرار در امور کیفری
۴۲	۱۲-۲-۲-۲. تفاوتهای شهادت در امور مدنی با شهادت در امور کیفری
۴۲	۱۲-۲-۲-۲-۱. مستند شهادت
۴۲	۱۲-۲-۲-۲-۲. شهادت بر شهادت
۴۲	۱۲-۲-۲-۲-۳. شهادت تبرعی

۴۳ نظام‌ها و اصول حاکم بر ادله	۱۳-۱
۴۳ نظام‌های ادله اثبات	۱۳-۱
۴۳ نظام دلایل قانونی	۱۳-۱-۱
۴۴ نظام دلایل معنوی	۱۳-۱-۲
۴۴ نظام مختلط	۱۳-۱-۳
۴۵ نظام اسلام	۱۳-۱-۴
۴۶ اصول حاکم بر ادله اثبات	۱۳-۲
۴۶ انحصاری بودن یا نبودن	۱۳-۲-۱
۴۷ قلمرو اثباتی هر یک از این ادله	۱۳-۲-۲
۴۸ آمره یا تکمیلی بودن قواعد آن	۱۳-۲-۳

فصل دوم: وسایل (ادله) اثبات دعوی

۴۹ اقرار	۱-۱
۴۹ تعریف اقرار	۱-۱-۱
۵۰ شرایط مقرر	۱-۱-۲
۵۱ بلوغ	۱-۲-۱
۵۳ عقل	۱-۲-۲
۵۴ اختیار	۱-۲-۳
۵۵ قصد	۱-۲-۴
۵۶ شرایط اقرار	۱-۳-۱
۵۶ لفظ بودن یا مکتوب بودن	۱-۳-۱-۱
۵۷ روشن و بدون ابهام بودن	۱-۳-۱-۲
۵۸ وحدت موضوع در اقرار	۱-۳-۱-۳
۵۹ جزمی بودن اقرار	۱-۳-۱-۴
۵۹ منجز بودن اقرار	۱-۳-۱-۵
۶۰ انواع اقرار	۱-۴-۱
۶۰ اقرار ساده	۱-۴-۱-۱
۶۱ اقرار مقید و تجزیه‌پذیری آن	۱-۴-۱-۲
۶۳ اقرار منجز	۱-۴-۱-۳
۶۳ اقرار معلق و مشروط	۱-۴-۱-۴
۶۴ اقرار در دادگاه	۱-۴-۱-۵
۶۵ اقرار در خارج از دادگاه	۱-۴-۱-۶
۶۶ اقرار نزد حاکم	۱-۵-۱
۶۷ قلمرو اقرار	۱-۶-۱
۶۸ احکام و آثار اقرار	۱-۷-۱
۶۸ نصاب اقرار	۱-۸-۱

- ۱-۸-۱. جرائم قابل اثبات با یک بار اقرار ۶۹
- ۱-۸-۱-۱. جرائم موجب قصاص و دیه ۶۹
- ۱-۸-۱-۲. جرائم موجب تعزیر ۷۰
- ۱-۸-۱-۳. حدود سب‌النبی، محاربه، افساد فی الارض، بغی ۷۱
- ۱-۸-۲. جرائم قابل اثبات با دو بار اقرار ۷۳
- ۱-۸-۲-۱. مستند فقهی نصاب اقرار در قوادی ۷۳
- ۱-۸-۲-۲. مستند فقهی نصاب اقرار در شرب خمر ۷۴
- ۱-۸-۲-۳. مستند فقهی نصاب اقرار در قذف ۷۵
- ۱-۸-۲-۴. مستند فقهی نصاب اقرار در سرقت ۷۵
- ۱-۸-۳. جرائم قابل اثبات با چهار بار اقرار ۷۶
- ۱-۸-۳-۱. حد زنا ۷۶
- ۱-۸-۳-۲. حد لواط و تفخیذ ۷۷
- ۱-۸-۳-۳. حد مساحقه ۷۷
- ۱-۸-۴. تکمله: اثبات جنبه غیرکیفری همه جرائم با اقرار ۷۸
- ۱-۹. عدول از اقرار و آثار آن ۷۹
- ۱-۹-۱. انکار بعد از اقرار ۸۰
- ۱-۹-۱-۱. مجازات جایگزین در صورت سقوط حد قتل و رجم ۸۱
- ۱-۹-۱-۱-۱. مجازات جایگزین در حدود زنا و لواط ۸۱
- ۱-۹-۱-۲. مجازات جایگزین در سایر حدود ۸۳
- ۱-۹-۲. ادعای فساد اقرار یا اشتباه از سوی مقر ۸۳
۲. شهادت ۸۴
- ۲-۱. تعریف شهادت و قلمرو آن ۸۴
- ۲-۱-۱. معنای شهادت در لغت ۸۴
- ۲-۱-۲. معنای شهادت در اصطلاح ۸۵
- ۲-۱-۳. قلمرو شهادت ۸۶
- ۲-۲. شرایط شهادت ۸۶
- ۲-۲-۱. شهادت باید از روی قطع و یقین باشد ۸۶
- ۲-۲-۲. شهادت در امور حسی باید مستند به حس و از طریق متعارف باشد ۸۷
- ۲-۲-۳. شهادت در صورت امکان باید با لفظ باشد ۸۹
- ۲-۲-۴. در صورت تعدد شهود موضوع شهادت باید واحد باشد ۹۲
- ۲-۲-۵. در صورت تعدد شهود، مفاد شهادت‌ها نباید متناقض باشد ۹۴
- ۲-۳. شرایط شاهد ۹۶
- ۲-۳-۱. بلوغ ۹۷
- ۲-۳-۲. عقل ۹۷
- ۲-۳-۳. ایمان ۹۸
- ۲-۳-۴. عدالت ۹۸

- ۱۰۰ ۲-۳-۵. طهارت مولد.....
- ۱۰۲ ۲-۳-۶. ذی نفع نبودن در موضوع.....
- ۱۰۴ ۲-۳-۶-۱. شهادت شریک.....
- ۱۰۶ ۲-۳-۶-۲. شهادت وارث بر جراحت مورث خود.....
- ۱۰۶ ۲-۳-۶-۳. شهادت عاقله در جرح شهود.....
- ۱۰۷ ۲-۳-۷. نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها.....
- ۱۰۸ ۲-۳-۸. عدم اشتغال به تکدی.....
- ۱۰۸ ۲-۳-۹. ولگرد نبودن.....
- ۱۰۹ ۲-۴-۴. جرح و تعدیل شهود.....
- ۱۰۹ ۲-۴-۱. تعریف جرح.....
- ۱۱۱ ۲-۴-۲. تعریف تعدیل.....
- ۱۱۱ ۲-۴-۳. شرایط معدّل (مزگی) و جارح.....
- ۱۱۲ ۲-۴-۴. وظیفه قاضی در اعلام حق جرح و تعدیل به طرفین.....
- ۱۱۲ ۲-۴-۵. زمان جرح شاهد شرعی.....
- ۱۱۳ ۲-۴-۶. تعدیل شاهد در صورت رد یا جرح.....
- ۱۱۴ ۲-۴-۷. عدم لزوم ذکر اسباب اثبات جرح یا تعدیل شاهد.....
- ۱۱۵ ۲-۴-۸. بی اعتباری شهود جرح و تعدیل در صورت تعارض جارح و معدّل.....
- ۱۱۷ ۲-۵-۵. شهادت بر شهادت.....
- ۱۱۷ ۲-۵-۱. مقصود از شهادت بر شهادت.....
- ۱۱۹ ۲-۵-۲. شرایط جریان شهادت بر شهادت.....
- ۱۱۹ ۲-۵-۲-۱. مرگ شاهد اصلی.....
- ۱۲۰ ۲-۵-۲-۲. تعذر حضور شاهد اصلی.....
- ۱۲۰ ۲-۵-۳. شرایط شاهد در شهادت بر شهادت.....
- ۱۲۱ ۲-۵-۴. مسموع نبودن شهادت بر شهادت فرع.....
- ۱۲۲ ۲-۵-۵. گستره پذیرش شهادت بر شهادت.....
- ۱۲۳ ۲-۵-۵-۱. عدم پذیرش در حدود و تعزیرات.....
- ۱۲۵ ۲-۵-۵-۲. پذیرش در غیر حدود و تعزیرات.....
- ۱۲۵ ۲-۶-۶. نصاب شهادت.....
- ۱۲۵ ۲-۶-۱. نصاب شهادت در دعاوی مدنی.....
- ۱۲۶ ۲-۶-۲. نصاب شهادت در دعاوی کیفری.....
- ۱۲۷ ۲-۶-۱-۱. قاعده کلی.....
- ۱۲۸ ۲-۶-۲-۲. جرائم قابل اثبات با دو شاهد.....
- ۱۲۸ ۲-۶-۲-۱-۱. حد قوادی.....
- ۱۲۸ ۲-۶-۲-۲-۲. حد قذف.....
- ۱۲۹ ۲-۶-۲-۲-۳. حد مصرف مسکر.....
- ۱۲۹ ۲-۶-۲-۲-۴. حد سرقت.....

- ۱۳۰ حد محاربه ۲-۲-۲-۵
- ۱۳۰ حد افساد فی الارض، بغی، سب النبی ۲-۲-۲-۶
- ۱۳۱ تعزیرات ۲-۲-۲-۷
- ۱۳۲ قتل و مادون قتل (جنایت علیه تمامیت جسمانی) ۲-۲-۲-۸
- ۱۳۳ جرائم قابل اثبات با چهار شاهد ۲-۲-۳-۳
- ۱۳۳ زنا ۲-۲-۳-۱
- ۱۳۶ لواط و تفخیز ۲-۲-۳-۲
- ۱۳۷ مساحقه ۲-۲-۳-۳
- ۱۳۸ جنایات موجب دیه ۲-۲-۳-۴
- ۱۳۹ رجوع از شهادت و آثار آن ۲-۲-۷-۷
- ۱۴۰ رجوع از شهادت قبل از صدور حکم ۲-۲-۷-۱
- ۱۴۱ رجوع از شهادت قبل از اجرای مجازات ۲-۲-۷-۲
- ۱۴۳ رجوع از شهادت بعد از اجرای مجازات ۲-۲-۷-۳
- ۱۴۳ مسموع نبودن اعاده شهادت پس از رجوع از آن ۲-۲-۷-۴
- ۱۴۴ سوگند ۳-۳-۳-۳
- ۱۴۵ ۱-۳-۱-۱ تعریف سوگند و قلمرو آن ۳-۳-۱-۱
- ۱۴۵ ۱-۳-۱-۱ تعریف سوگند ۳-۳-۱-۱
- ۱۴۶ ۲-۳-۱-۱ قلمرو سوگند ۳-۳-۱-۲
- ۱۴۶ ۱-۳-۱-۱ جریان سوگند در موضوعات حقوقی و جرائم علیه تمامیت جسمانی ۳-۳-۱-۱
- ۱۴۸ ۲-۳-۱-۲ عدم جریان سوگند در حدود ۳-۳-۱-۲
- ۱۵۰ ۳-۳-۱-۲ عدم جریان سوگند در تعزیرات ۳-۳-۱-۳
- ۱۵۱ ۲-۳-۲ شرایط اداکننده سوگند ۳-۳-۲
- ۱۵۲ ۳-۳-۳ کیفیت اقامه سوگند ۳-۳-۳
- ۱۵۳ ۱-۳-۳-۱ مطابقت سوگند با قرار دادگاه ۳-۳-۳
- ۱۵۳ ۲-۳-۳-۲ اذن و مطالبه دادگاه برای اقامه سوگند ۳-۳-۳
- ۱۵۴ ۳-۳-۳-۳ نیاز به درخواست مدعی برای اقامه سوگند ۳-۳-۳
- ۱۵۵ ۴-۳-۳-۳ اقامه سوگند نزد قاضی ۳-۳-۳
- ۱۵۶ ۵-۳-۳-۳ مکان ادای سوگند ۳-۳-۳
- ۱۵۶ ۶-۳-۳-۳ لفظ سوگند ۳-۳-۳
- ۱۵۷ ۷-۳-۳-۳ عدم اشتراط عربی بودن ۳-۳-۳
- ۱۵۸ ۸-۳-۳-۳ تغلیظ سوگند ۳-۳-۳
- ۱۵۹ ۹-۳-۳-۳ عدم فرق بین مسلمان و غیرمسلمان ۳-۳-۳
- ۱۵۹ ۴-۳-۳-۴ شرایط سوگند ۳-۳-۳
- ۱۵۹ ۱-۴-۳-۳ مطابقت سوگند با ادعا ۳-۳-۳
- ۱۵۹ ۲-۴-۳-۳ صریح بودن سوگند و مبهم نبودن ۳-۳-۳
- ۱۶۰ ۳-۴-۳-۳ ادای سوگند از روی قطع و یقین ۳-۳-۳

۱۶۱ ۳-۴-۴. اشتراط لفظ در سوگند
۱۶۱ ۳-۵. سوگند به انضمام شاهد
۱۶۲ ۳-۵-۱. قلمرو جریان سوگند به انضمام شاهد
۱۶۳ ۳-۵-۲. شرایط جریان سوگند به انضمام شاهد
۱۶۴ ۳-۶. کشف دروغ بودن سوگند یا فقدان شرایط
۱۶۶ ۳-۷. رجوع از سوگند و آثار آن
۱۶۷ ۴. قسامه
۱۶۷ ۴-۱. تعریف قسامه و قلمرو آن
۱۶۷ ۴-۲. شرایط اداکننده قسامه
۱۶۹ ۴-۳. شرایط اجرای قسامه
۱۷۰ ۴-۴. نصاب قسامه
۱۷۰ ۴-۵. رجوع از قسامه
۱۷۱ ۵. علم قاضی
۱۷۱ ۵-۱. تعریف علم قاضی و قلمرو آن
۱۷۱ ۵-۱-۱. تعریف علم قاضی
۱۷۳ ۵-۱-۲. قلمرو علم قاضی
۱۷۷ ۵-۲. مصادیق و موجبات علم قاضی
۱۷۷ ۶. اسناد
۱۷۷ ۶-۱. تعریف سند و انواع آن
۱۷۹ ۶-۱-۱. اسناد امضا شده به دست افراد
۱۷۹ ۶-۱-۱-۱. شرط اول
۱۸۰ ۶-۱-۱-۲. شرط دوم
۱۸۲ ۶-۱-۲. دفاتر تجاری
۱۸۲ ۶-۱-۳. اسناد تنظیمی در خارج کشور
۱۸۳ ۶-۱-۴. نامه‌های خصوصی
۱۸۴ ۶-۲. تفاوت‌های سند رسمی و عادی
۱۸۴ ۶-۲-۱. قدرت اجرایی
۱۸۵ ۶-۲-۲. اعتبار تاریخ
۱۸۵ ۶-۲-۳. ادعای جعل، تردید و تکذیب
۱۸۶ ۶-۲-۴. تشریفات
۱۸۷ ۶-۲-۵. تنظیم کننده
۱۸۸ ۷. امارات
۱۸۹ ۷-۱. اماره قانونی
۱۸۹ ۷-۲. اماره قضایی
۱۹۰ ۷-۳. تفاوت‌های اماره قضایی با اماره قانونی
۱۹۰ ۸. ادله الکترونیکی (شرایط، اعتبار و احکام آن)

۱۹۲ ۸-۱. دلیل الکترونیکی عادی.....
۱۹۳ ۸-۲. دلیل الکترونیکی مطمئن.....
۱۹۴ ۹. وسایل مدرن (نوار ضبط صوت، فیلم، عکس، مکالمات تلفنی، انگشت‌نگاری، DNA،)

فصل سوم: اصول عملیه

۱۹۹ ۱. استصحاب.....
۲۰۰ ۲. برائت.....
۲۰۲ ۳. اصل تأخر حادث.....
۲۰۳ ۴. احتیاط.....

فصل چهارم: تعارض ادله و قواعد حل تعارض

۲۰۵ ۱. تعریف تعارض.....
۲۰۶ ۲. منظور از ادله معارض.....
۲۰۷ ۳. دلیل حاکم در تعارض ادله.....
۲۰۹ ۴. تعارض بینات (شهادت‌ها).....
۲۱۱ ۵. تعارض اقراریر.....
۲۱۴ ۶. تعارض اقرار با شهادت.....
۲۱۶ ۷. تعارض اقرار با سوگند و قسامه.....
۲۱۷ ۸. تعارض بینه با سوگند و قسامه.....
۲۱۷ ۹. تعارض اقرار با اسناد.....
۲۱۸ ۱۰. تعارض شهادت با اسناد.....
۲۱۹ ۱۱. تعارض علم قاضی با اسناد.....

۲۲۱ فهرست منابع.....
-----	------------------------

نمایه‌ها

۲۳۱ نمایه آیات.....
۲۳۲ نمایه روایات.....
۲۳۴ نمایه اصطلاحات.....

مقدمه

در حقوق اسلام در امور مدنی و کیفری، اصل بر براءت است؛ به این معنی که هیچ‌کس مدیون نیست، مگر آنکه دین او با ادله معتبر اثبات شود و همچنین هیچ‌کس مجرم محسوب نمی‌شود، مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح اثبات شود. اصل ۳۷ قانون اساسی به تبعیت از حقوق کیفری اسلام مقرر می‌دارد: «اصل براءت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». بر پایه این اصل، مادامی که جرم کسی در دادگاه صالح اثبات نشود، نمی‌توان وی را مجرم دانست و مجازات کرد. ماده ۴ ق.آ.د.ک نیز مقرر می‌دارد: «اصل براءت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص، جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی، مجاز نیست و در هر صورت، این اقدامات نباید به‌گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند». اهمیت و جایگاه رفیع ادله اثبات در امور مدنی و کیفری که تأمین‌کننده حقوق افراد، جامعه، متهم و مجنی علیه است، اقتضا دارد همه احکام مربوط به ادله اثبات که در منابع مختلف، پراکنده است، در کتابی مستقل گردآوری شود. در این اثر، همه احکام و مباحث مربوط به ادله اثبات در امور مدنی و کیفری تجمیع شده است. مباحث ادله اثبات دارای مشترکات فراوان در امور مدنی و کیفری و همچنین احکام اختصاصی مربوط به هریک از این حوزه‌هاست که تدوین کتاب جامع در این حوزه را با مشکلات و پیچیدگی‌هایی مواجه می‌کند. امید است در این اثر به خوبی از عهده این مهم برآمده و منبعی متقن و معتبر، سلیس و روان در اختیار دانشجویان محترم و جامعه علمی کشور قرار داده باشیم.

فصل اول

کلیات

در این فصل تعاریف، تاریخچه، فایده و اهمیت و منابع قانونی و فقهی ادله اثبات دعوی بررسی می شود.

۱. تعاریف (دلیل، اثبات، دعوی)

«ادله اثبات دعوی» از سه واژه ادله و اثبات و دعوی تشکیل شده است. ادله جمع دلیل است.^۱ دلیل در لغت به معنی رهبر، راهنما، مرشد، حجت، برهان و آنچه برای اثبات کردن امری به آن استدلال می شود، آمده است.^۲ دلیل در اصطلاح حقوقی، چیزی است که برای اثبات امری به کار می رود.^۳ اثبات مصدر باب افعال از ماده ثبت است به معنی ثابت گردانیدن، پابرجا کردن و ثابت کردن امری.^۴

دعوی در لغت به معانی مختلف از جمله طلب و ندا آمده است^۵ و در اصطلاح فقهی،

۱. حمیری، شمس العلوم، ج ۴، ص ۱۹۹۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۴۹؛ ماده «دلیل»: «و الدلیل و الدلیلی: الذی یدلک: ... و الجمع أدلة و أدلاء».
۲. جوهری، الصحاح، ماده «دلیل»: «الدلیل: ما یستدل به»؛ حمیری، شمس العلوم، ج ۴، ص ۱۹۹۷؛ «کل شیء اشتدلت به فهو دلیل»: نک: دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۱۱۰۶۳؛ معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۵۵۶؛ عمید، فرهنگ عمید، ص ۶۰۹.
۳. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ج ۳، ص ۱۹۴۸.
۴. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۹، ص ۴۲۲؛ «و أثبت حجة: أقامها»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۹-۲۰؛ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۴۰.
۵. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۱۹۴؛ مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۹، ص ۴۰۷؛ محمود، عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ج ۲، ص ۸۲.

عبارت است از اینکه فردی که مدعی حقی علیه دیگری است، نزد حاکم شرع (قاضی) آن را از او مطالبه کند؛ خواه آن را برای خود مطالبه کند یا برای موکل و یا موّلی علیه خویش، اعم از اینکه حق مورد ادعا عین خارجی مشخص باشد، مانند زمین معین، یا غیر آن مانند دین، حق خیار، شفعه، فرزندی، زوجیت و جنایت. به اقامه‌کننده دعوی «مدعی» یا «خواهان»، به طرف مقابل که دعوی علیه او اقامه شده «مدعی علیه» یا «خوانده» و به حق مورد ادعا «مدعی به» یا «خواسته» گویند.^۱

بنابراین ادله اثبات دعوی عبارت از هر چیزی است که براساس قانون، قابلیت اثبات دعوی را دارد و به حسب مورد، مثبت ادعا یا نافی ادعاست.

۲. تاریخچه، فایده و اهمیت

ادله اثبات نقش مهمی در فرایند اثبات ادعا دارد و در طول تاریخ با تحولات فراوان مواجه بوده و در گذشت زمان جنبه عقلانی و موجه آن تقویت شده و جنبه غیرعقلانی و ناموجه آن، مانند اوردالی^۲ و شکنجه متهم برای کشف جرم و اثبات ادعا، حذف شده است.

ادله اثبات لبه تیغ است؛ چون از یک سو با حقوق متهم و مدعی علیه و از سوی دیگر با حقوق مدعی، مجنی علیه و جامعه مرتبط است و باید با هدف کشف حقیقت بین این دو مقوله ایجاد توازن کند.

صدور حکم محکومیت در امور حقوقی منوط به اثبات ادعا و در امور کیفری، منوط به احراز و اثبات ارکان جرم و انتساب جرم به متهم است. بنابراین شناخت ادله اثبات‌کننده این انتساب که نوعاً کاشف از واقعیت است، برای خواهان و خوانده، متهم و مجنی علیه بسیار مهم است.

۱. مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۳، ص ۶۲۷.

۲. اوردالی (ordalie) دلیل قضایی است که تحت عنوان داوری ایزدی در قرون وسطا متداول بوده است. مثلاً در اوردالی متهم به جادوگری یا زنا در رودخانه انداخته می‌شد؛ چنانچه غرق می‌گشت، گناهکار به شمار می‌رفت و اگر نجات می‌یافت، تبرئه می‌شد. (نک: آشوری، عدالت کیفری، ص ۱۳۶؛ داریوساباتوچی، «اوردالی آزمایش ایزدی یا آیین‌ور»، مجله کانون، س ۴۴، ش ۱۷، ص ۱۶۶).

۳. منابع

۳-۱. منابع قانونی

مواد قانونی راجع به ادله اثبات در امور مدنی و کیفری در قوانین کشور به صورت پراکنده تدوین شده است و در کتاب واحد به صورت کامل و منظم جمع نشده است. این پراکندگی دسترسی سریع و مطمئن را به مواد ادله اثبات با دشواری مواجه ساخته است.

۳-۱-۱. قانون اساسی

برخی از قواعد کلی و عمومی مرتبط با ادله اثبات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده و برخی از اصول قانون اساسی به مباحث ادله اثبات اختصاص پیدا کرده است.

اصل ۳۷ مقرر می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

اصل ۳۸ مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون، مجازات می‌شود».

اصل ۱۶۶ مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است».

اصل ۱۶۷ مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد».

۳-۱-۲. قانون مدنی

جلد سوم قانون مدنی به ادله اثبات در امور مدنی اختصاص دارد. این مواد در تاریخ ۱۳ مهر و ۸ آبان ۱۳۱۴ تصویب شده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اصلاحاتی در برخی از آنها صورت گرفته است. این مباحث از ماده ۱۲۷۵ آغاز و با ماده ۱۳۳۵ پایان یافته است. در ماده ۱۲۵۸ ق.م ادله اثبات دعوی احصا شده که عبارت‌اند از: ۱. اقرار؛ ۲. اسناد کتبی؛ ۳. شهادت؛

۴. امارات؛ ۵. قسم. بر همین اساس، این جلد از پنج کتاب تشکیل شده است: کتاب اول در اقرار، کتاب دوم در اسناد، کتاب سوم در شهادت، کتاب چهارم در امارات و کتاب پنجم در سوگند.

۳-۱-۳. قانون آیین دادرسی مدنی (مواد ۱۹۴ تا ۲۹۴)

بخشی از مباحث مرتبط با ادله اثبات در مواد ۱۹۴ تا ۲۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ بیان شده است. فصل دهم این قانون با عنوان «رسیدگی به دلایل»، اختصاص به این بحث دارد. این فصل از چند مبحث تشکیل شده است. عنوان مبحث اول این فصل «کلیات» است که به تعریف دلیل و اصول کلی رسیدگی پرداخته است. عنوان مبحث دوم «اقرار» است که بدون ورود به تعریف و شروط اقرار و مقرر، برخی از احکام اقرار را بیان کرده است. مبحث سوم این فصل «اسناد» است که از چهار بند تشکیل شده است: الف) مواد عمومی؛ ب) انکار و تردید؛ ج) ادعای جعلیت؛ د) رسیدگی به صحت و اصالت سند. عنوان مبحث چهارم این فصل «گواهی» است. منظور از گواهی در این مبحث، همان شهادت است و برخی از احکام مربوط به تشریفات شهادت و نصاب شهادت، گواهی بر شهادت، جرح و تعدیل شهود در آن بیان شده است. عنوان مبحث پنجم «معاینه محل و تحقیق محلی» و عنوان مبحث ششم «رجوع به کارشناس» است. عنوان مبحث هفتم «سوگند» و عنوان مبحث هشتم «نیابت قضایی» است.

۳-۱-۴. قانون آیین دادرسی کیفری

عنوان فصل دوم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «رسیدگی به ادله اثبات» است و ماده ۳۱۸ تا ۳۳۴ به این امر اختصاص دارد. در این قانون با ارجاع مباحث ادله اثبات به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تشریفات رسیدگی به شهادت و سوگند بیان شده است.

۳-۱-۵. قانون تجارت

قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی است. بخش‌هایی از این قانون به اسناد تجاری اختصاص دارد که نقش مؤثری در اثبات دعاوی دارند. از جمله این اسناد، دفاتر تجاری است که قانونگذار باب دوم این قانون را به دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری اختصاص داده است.

این دفاتر در ماده ۶ این قانون احصا شده^۱ و مطابق ماده ۱۶ این قانون^۲ سندیت دارند. از دیگر اسناد معتبر تجاری برات،^۳ سفته (فته طلب)^۴ و چک^۵ است که باب چهارم این قانون به این اسناد اختصاص دارد.

۳-۱-۶. قانون تجارت الکترونیکی

قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ است که هدف آن ساماندهی تجارت الکترونیکی و پیشگیری از سوءاستفاده و کلاهبرداری در این حوزه و اعتباربخشی به اسناد و داده‌های ردوبدل شده در این حوزه است. این قانون مجموعه قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسط‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید به کار می‌رود.^۶ این قانون هشتاد ماده دارد و در شش باب تنظیم شده است. باب اول: مقررات عمومی؛ باب دوم: دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی (Certification Service Provider)؛ باب سوم: در قواعد مختلف؛ باب چهارم: جرائم و مجازات‌ها؛ باب پنجم: جبران خسارت؛ باب ششم: متفرقه.

۳-۱-۷. قانون مجازات اسلامی

برای اولین بار در تاریخ حقوق کیفری ایران، مباحث ادله اثبات در امور کیفری در قانون

۱. ماده ۶: «هر تاجری به استثنای کسبه جزء، مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظام‌نامه قائم‌مقام این دفاتر قرار می‌دهد، داشته باشد: ۱. دفتر روزنامه؛ ۲. دفتر کل؛ ۳. دفتر دارایی ۴. دفتر کپیه».
۲. ماده ۱۴ قانون تجارت: «دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود به کار می‌برند، در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد، بین تجار، در امور تجاری، سندیت خواهد داشت و غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود».
۳. «سندی است تجاری که به وسیله شخصی که محیل نامیده می‌شود، به شخصی که محال‌علیه نامیده شده است، حواله می‌دهد که مبلغی در وجه شخص ثالث که محال‌له برات نام دارد یا به حواله کرد او پردازد» (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۰۸).
۴. ماده ۳۰۷ قانون تجارت: «فته طلب سندی است که به موجب آن، امضاکننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید».
۵. ماده ۳۱۰ قانون تجارت: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید».
۶. ماده ۱ قانون تجارت الکترونیکی.

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تجمیع شده است. بخش پنجم کتاب اول این قانون به ادله اثبات در امور کیفری اختصاص پیدا کرده است. این بخش به شش فصل تقسیم شده است. فصل اول کلیات، فصل دوم اقرار، فصل سوم شهادت، فصل چهارم سوگند، فصل پنجم علم قاضی و فصل ششم متفرقه^۱ نام گذاری شده است. ماده ۱۶۰ تا ماده ۲۱۳ این قانون به مباحث ادله اثبات اختصاص دارد. ماده ۱۶۰ این قانون ادله اثبات در امور کیفری را احصا کرده و مقرر داشته است: «ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است». مباحث مربوط به قسامه در فصل چهارم کتاب قصاص این قانون با عنوان راه‌های اثبات جنایت آمده است. ماده ۳۱۲ تا ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی به قسامه اختصاص یافته است.

۳-۱-۸. قانون ثبت

قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۰ (کمیسیون قوانین عدلیه) است که در سال‌های بعد با اصلاحات و الحاقاتی مواجه شده است، ولی ساختار اصلی این قانون محفوظ مانده است. این قانون با اصلاحات و الحاقات بعدی از ۱۵۷ ماده تشکیل شده است. طبق نصوص این قانون، تمام محتویات و امضاهای مندرج در سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است، معتبر خواهد بود، مگر آنکه مجعولیت آن ثابت شود. انکار مندرجات اسناد رسمی راجع به اخذ تمام یا قسمتی از وجه یا مال یا تعهد به تأدیة وجه یا تسلیم مال مسموع نیست.^۲ مطابق ماده ۷۱ این قانون، «اسناد ثبت شده در قسمت راجعه به معاملات و تعهدات مندرجه در آنها نسبت به طرفین و یا طرفی که تعهد کرده و کلیة اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، رسمیت و اعتبار خواهند داشت». مطابق ماده ۷۲ این قانون، «کلیة معاملات راجعه به اموال غیر منقول که بر طبق مقررات راجعه به ثبت املاک ثبت شده است، نسبت به طرفین معامله و قائم مقام قانونی آنها و اشخاص ثالث، دارای اعتبار کامل و رسمیت خواهد بود».

۱. فصل ششم ارتباطی با مباحث ادله اثبات ندارد.

۲. ماده ۷۰ قانون ثبت.

۳-۱-۹. سایر قوانین

علاوه بر قوانین مذکور که به مباحث ادله اثبات پرداخته‌اند، قوانین دیگری نیز در خصوص مباحث ادله اثبات طرح بحث کرده و می‌توانند در اثبات دعوی مورد استناد و استفاده قرار بگیرند از جمله آنها می‌توان به این قوانین اشاره کرد: قانون چک، قانون جرائم رایانه‌ای،^۱ قانون متمم قانون ثبت اسناد و املاک، آیین‌نامه قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۷، آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران، قانون ثبت شرکت‌ها، قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور، قانون صدور اسناد مالکیت اراضی مشمول و آیین‌نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی.

۳-۱-۱۰. منابع فقهی

در کتب فقهی، مباحث عمومی قضا و دادرسی و بخشی از مباحث ادله اثبات در کتاب قضا بحث و بررسی شده است. کتب مستقلی نیز با عنوان کتاب القضاء تألیف شده است که می‌توان برای نمونه به این کتاب‌ها اشاره کرد: انوار الفقاهة: کتاب القضاء تألیف آیت‌الله نجفی کاشف الغطاء؛ کتاب القضاء تألیف میرزا حبیب‌الله رشتی؛ کتاب القضاء تألیف میرزا محمدحسن آشتیانی؛ کتاب القضاء تألیف آقاضیاء‌الدین عراقی؛ کتاب القضاء فی الفقه الاسلامی تألیف آیت‌الله حائری.

همچنین برخی از ادله اثبات با عناوین مستقل و به‌طور مبسوط بحث و بررسی شده‌اند که کتاب الاقرار و همچنین کتاب الشهادات از این دسته است. برای مثال می‌توان از این کتاب‌ها نام برد: انوار الفقاهة: کتاب الشهادات، تألیف آیت‌الله نجفی کاشف الغطاء؛ کتاب الشهادات، تألیف آیت‌الله گلپایگانی؛ أسس القضاء و الشهادة، تألیف آیت‌الله تبریزی؛ نظام القضاء و الشهادة فی الشريعة الإسلامية الغراء، تألیف آیت‌الله سبحانی.

همچنین بسیاری از فقها در بخشی از اثر فقهی خود با عنوان کتاب الشهادات، مباحث شهادت را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ همچون شیخ طوسی در النهایه،^۲ محقق حلی در شرائع الاسلام،^۳

۱. این قانون به قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) منضم و از ماده ۷۲۹ تا ماده ۷۸۲ ق.م.ا شماره‌گذاری شد.

۲. طوسی، النهایه، ص ۳۲۵.

۳. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۱۴.

نجفی در جواهر الکلام^۱ و امام خمینی در تحریر الوسيلة^۲. مباحث مربوط به شهادت ضمن قاعدة «البينة للمدعی و اليمين علی من انکر» نیز بررسی شده است.^۳ کتاب الاقرار نیز یکی از عناوینی است که در کتب مختلف فقهی محل بحث قرار گرفته است؛ از جمله المقنعة شیخ مفید،^۴ المبسوط شیخ طوسی،^۵ الروضة شهید ثانی^۶ و جواهر الکلام نجفی. همچنین مباحث مربوط به اقرار تحت عنوان «قاعدة اقرار» (اقرار العقلاء علی أنفسهم جائز) نیز بررسی شده است.^۷ علاوه بر موارد مذکور، غالباً در کتاب الحدود و التعزیرات نیز ادله اثباتی مانند اقرار^۸ و شهادت^۹ و علم قاضی^{۱۰} تشریح شده است. مباحث سوگند را نیز فقها در ذیل «قاعدة بینه و یمین» (البينة علی المدعی و اليمين علی من انکر)^{۱۱} و در ابواب مختلف^{۱۲} مطرح کرده‌اند. قسامه نیز غالباً در کتاب قصاص مورد بحث فقهی قرار گرفته است.^{۱۳}

۳-۲. قلمرو زمانی و مکانی قوانین حاکم بر ادله

برای ادله اثبات، چه در امور مدنی و چه کیفری، محدودیت زمانی و مکانی خاصی تعریف نشده است و هیچ‌یک از ادله اثباتی یعنی اقرار، شهادت، سوگند، قسامه، سند و علم قاضی از

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۷.
۲. خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۴۴۱.
۳. بجنوردی، القواعد الفقهية، ج ۳، ص ۶۹؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۳۳۳؛ مصطفوی، مئة قاعدة فقهية، ص ۷۸؛ محقق داماد، قواعد فقه، ج ۳، ص ۵۳.
۴. مفید، المقنعة، ص ۶۶۱.
۵. طوسی، المبسوط، ج ۳، ص ۱.
۶. شهید ثانی، الروضة البهية، ج ۶، ص ۳۷۵.
۷. نک: فاضل لنکرانی، القواعد الفقهية، ص ۶۳؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۴۰۱؛ مصطفوی، مئة قاعدة فقهية، ص ۶۰.
۸. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۶۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۸۰؛ خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۴۷۹.
۹. شهید ثانی، الروضة البهية، ج ۹، ص ۱۶۴؛ محقق حلی، همان، ص ۱۵۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۳۰.
۱۰. طوسی، الخلاف، ج ۶، ص ۲۴۲؛ محقق حلی، همان، ص ۶۷؛ خمینی، همان، ص ۴۰۸ و ۴۶۸.
۱۱. بجنوردی، القواعد الفقهية، ج ۳، ص ۶۹؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۳۳۳؛ مصطفوی، مئة قاعدة فقهية، ص ۷۸.
۱۲. علامه حلی، تحریر الأحكام، ج ۵، ص ۴۷۶؛ نجفی، همان، ج ۴۲، ص ۲۳۲؛ خمینی، همان، ج ۲، ص ۵۲۸.
۱۳. طوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۲۱۰؛ محقق حلی، همان، ص ۲۰۷؛ نجفی، همان، ج ۴۲، ص ۲۳۲.

نظر زمانی و مکانی، محدودیت خاصی در حوزه اعتبار و استناد ندارند؛ جز این محدودیت مکانی که سوگند،^۱ قسامه و شهادت، چه در امور مدنی و چه کیفری، باید در دادگاه و نزد قاضی دادگاه اقامه شود تا معتبر باشد؛ همچنین لازم است اقرار در امور کیفری در مواردی که مستند حکم است، نزد قاضی دادگاه اقامه شود تا به عنوان دلیل، قابل استناد باشد.^۲

نیز از آنجا که مقصود از دعاوی حقوقی، نوعاً اثبات اعمال حقوقی است و اعمال حقوقی قبل از پیش آمدن نزاع و طرح دعوی به وقوع می پیوندد، قوانین و مقررات مقرر می دارد که ادله اثبات آن می تواند پیش از مطرح شدن منازعه و اقامه دعوی فراهم شود. مجموعه قوانین و مقررات ثبت اسناد، دفاتر تجاری، تنظیم اسناد، اخذ شهود و... ناظر به همین موضوع است. اما در دعاوی کیفری، چون مقصود غالباً اثبات اموری از قبیل ارتکاب اعمال مجرمانه و عنصر مادی و روانی جرم است، در بیشتر مواقع، امکان تهیه دلیل قبل از زمان وقوع جرم وجود ندارد.^۳

ادله اثبات دعوی از نظر زمان تهیه دلیل، به دو دسته تقسیم می شود:

۳-۲-۱. ادله از پیش فراهم شده^۴

بعضی از ادله قبل از اینکه بین طرفین اختلافی صورت پذیرد و دعوی در محکمه مطرح شود، با اقدام اصحاب دعوی برای جلوگیری از اختلافات احتمالی آینده تهیه می شود و برای اینکه طرفین در صورت حدوث اختلاف، در اثبات ادعای خود از آن استفاده کنند. این قبیل ادله را دلایل از پیش فراهم شده می گویند. برای مثال، سند معامله ملکی زمانی بین متعاملین تنظیم می شود که طرفین هیچ گونه اختلافی با یکدیگر ندارند و برای جلوگیری از حادث شدن اختلاف و استناد به آن در صورت حدوث اختلاف، تنظیم می کنند. همچنین امارات، مانند اماره تصرف یا اماره فراش، دلایلی هستند که قبل از وقوع اختلاف بین طرفین یا طرح دعوی در دادگاه وجود دارند و از پیش فراهم آمده اند. فرض کنید در مالکیت ملکی بین طرفین اختلاف شده است و

۱. ماده ۳۳۳ ق. آ. ک: «سوگند به درخواست اصحاب دعوی، مطابق قرار دادگاه و نزد قاضی به عمل می آید».

۲. تبصره ۲ ماده ۱۱۹ ق. آ. ک: «در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شاهد، مستند رأی دادگاه می باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است».

۳. جمعی از نویسندگان، ادله اثبات دعوی کیفری، ص ۷۹.

۴. برخی از حقوق دانان از عنوان «دلیل تمهید شده» و «دلیل عارضی» استفاده کرده اند (کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، ص ۳۱).

یکی از طرفین به استناد ماده ۳۵ قانون مدنی^۱ برای مالکیت خود به تصرفات خود در ملک مورد دعوی استناد می‌کند. قانونگذار در ماده یاد شده «تصرف به‌عنوان مالکیت» را دلیل مالکیت دانسته است و استنادکننده به «تصرف» به تصرفات خود قبل از حدوث اختلاف یا طرح دعوی استناد می‌کند. پس تصرف در مثال مذکور دلیلی است که از پیش فراهم شده است. همچنین در باب اختلاف در نسب طفل، چنانچه زوج منکر انتساب طفل به خود باشد، زوجه برای اثبات این ادعا که طفل متولد شده ملحق به شوهر است، به اماره فراش استناد می‌کند. اماره فراش، یعنی وجود رابطه زوجیت بین طرفین در مدت زمانی که انعقاد نطفه و تولد طفل در آن اتفاق می‌افتد، دلیلی از پیش فراهم شده است.

۳-۲-۲. ادله انفاقی

دلیل انفاقی به دلیلی اطلاق می‌شود که در زمان وقوع اختلاف یا پس از وقوع آن فراهم می‌شود؛ مانند شهادت شهودی که موضوع مورد ادعا را دیده یا شنیده‌اند، تقاضای ارجاع امر به کارشناس برای تشخیص ورود خسارت و نیز تعیین میزان آن و معاینه محل وقوع مورد ادعا برای احراز اقناع وجدانی مقام قضایی. سوگند نیز دلیل انفاقی است. زیرا سوگند در فرضی مطرح می‌شود که اختلاف بین طرفین حادث شده است و خواننده ادعای خواهان را انکار می‌کند و مدعی، اثبات ادعای خود را منوط به سوگند منکر می‌کند.

ممکن است دلیل در جایی، از مصادیق دلایل فراهم شده باشد و در جای دیگر، دلیل انفاقی تلقی شود. برای مثال، ممکن است طرفین دعوی در هنگام انعقاد معامله‌ای دو نفر را شاهد بگیرند یا شخصی هنگام ادای دین خود، از دو نفر بخواهد زمان پرداخت دین حضور داشته باشند تا در صورت حدوث اختلاف به‌عنوان گواه، شهادت دهند. در این فرض، شهادت شهود دلیلی از پیش فراهم شده است؛ اما در فرضی که یکی از اصحاب دعوی پس از طرح دعوی مطالبه خسارت وارد شده به اتومبیل خود از خواننده، متوجه می‌شود دو نفر که به صورت انفاقی از محل عبور می‌کرده‌اند، خسارت وارد کردن خواننده را مشاهده کرده‌اند و به شهادت آنها استناد می‌کند، شهادت دلیل انفاقی تلقی می‌شود. همچنین است در فرضی که شخصی پولی را به کسی قرض می‌دهد و هنگام دادن قرض از طرف مقابل رسید می‌گیرد. رسید در اینجا

۱. ماده ۳۵: «تصرف به‌عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود».

متضمن اقرار قرض گیرنده است که قبل از حدوث اختلاف، فراهم شده است. پس در این فرض، اقرار دلیل از پیش فراهم شده است؛ اما در فرضی که خواننده در دادگاه و در خلال دادرسی به ادعای طرف اقرار می کند، اقرار دلیل اتفاقی است.

۴. نقش دادرسی و اصحاب دعوی در اداره ادله اثبات

۴-۱. نقش دادرسی

نقش دادرسی در اداره ادله اثبات تا اندازه ای در دعاوی مدنی و کیفری متفاوت است. در دعاوی مدنی اصل بر این است که دادرسی در تحصیل دلیل نقش فعالی ندارد و مانند ناظر بی طرف، ادله ای را که طرفین دعوی اقامه کرده اند بررسی و داوری می کند؛ اما در دعاوی کیفری نقش پررنگ تری در اداره و مدیریت ادله اثباتی دارد و به حسب مورد، اقدام به تحصیل دلیل هم خواهد کرد. تفصیل بحث در ادامه خواهد آمد.

۴-۲. نقش اصحاب دعوی

نقش اصحاب دعوی در اقامه و اداره ادله اثبات، هم در دعاوی مدنی و هم در دعاوی کیفری، بسیار پررنگ است. در دعاوی مدنی، بار اصلی اثبات بر عهده خواهان است. خواهان باید ادعای خود را در دادگاه به اثبات برساند و خواننده نیز نقش فعالی در دفاع از خود دارد. در دعاوی کیفری نیز نقش اصحاب دعوی در اثبات یا نفی اتهام بسیار پررنگ است و هیچ کس نمی تواند مانع متهم یا اصحاب دعوی در ارائه و اقامه دلیل شود. اقرار، شهادت، سند، سوگند و قسامه از ادله ای هستند که اصحاب دعوی می توانند برای اثبات ادعای خویش از آنها استفاده کنند و همچنین می توانند با ارائه قراین و امارات، موجب علم قاضی شوند.

۵. ویژگی موضوع ادله اثبات و شیوه های اثبات

۵-۱. ویژگی موضوع ادله اثبات

موضوع دلیل علی القاعده از امور موضوعی است و مدعی امری یا موضوعی باید ادله مثبت اظهار و ادعای خویش را به دادگاه ارائه دهد. مهم ترین ویژگی موضوع ادله، کاشفیت نوعی از واقعیت و حقیقت در موضوع است؛ یعنی همه ادله اثباتی از این حیث که نوعاً طریقیتی برای

کشف حقیقت و مثبت ادعا هستند، مورد توجه شارع قرار گرفته و مهر اعتبار و تأیید خورده‌اند. دادگاه موظف است بعد از اثبات ادعا یا جرم، برای یافتن جهات حکمی قضیه تلاش کند و حکم موضوع را با توجه به قوانین ماهوی معلوم سازد. البته ممکن است اصحاب دعوی و به‌ویژه خواهان، در دادخواست خویش به جهات حکمی نیز اشاره کنند و در القای نظر خویش بر محکمه بکوشند؛ ولی این امر هیچ تأثیری بر تکلیف دادگاه در یافتن جهات حکمی ندارد و عمده نقش اصحاب دعوی در اثبات موضوع است.

۵-۲. شیوه اثبات

صرف اینکه شخص برای اثبات ادعای خود دلیل دارد، برای اثبات حقانیت او کافی نیست؛ بلکه باید با همان خصوصیات و شروطی که قانون تعیین کرده است، ادله خویش را ارائه کند. مثلاً وقتی قانون می‌گوید خواهان باید دلایل خود را در دادخواست قید کند، این حکم قانونی است و باید رعایت شود؛ نتیجه رعایت نکردن این قانون خروج ادله ذکر نشده در دادخواست از عداد دلایل است یا اگر رونوشت مدارک ضمیمه دادخواست شود و دادگاه به ملاحظه اصل سند احتیاج داشته باشد، ذی‌نفع باید در همان زمانی که دادگاه معین کرده است، اصل سند را به دادگاه ارائه کند.^۱

۵-۲-۱. اثبات مستقیم و غیرمستقیم

ادله اثبات به اعتبار چگونگی تأثیر آن در اثبات ادعا، به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف) ادله مستقیم: به ادله‌ای اطلاق می‌شود که مستقیماً علت پیدایش یا سقوط حقی را اثبات می‌کند. مثلاً عقد نکاح علت پیدایش زوجیت است. سند رسمی نکاح مستقیماً این علت (عقد نکاح) را اثبات می‌کند؛ اقرار خوانده مستقیماً ادعای خواهان را ثابت می‌کند؛ سند مالکیت یک باب آپارتمان مستقیماً مالکیت شخص را نسبت به آن ثابت می‌کند. مثال دیگر اینکه شخصی مدعی مالکیت منافع یک باب آپارتمان است. علت پیدایش چنین حقی عقد اجاره است، سند اجاره عادی یا رسمی مستقیماً وجود علت و سبب این ادعا را ثابت می‌کند.

ب) ادله غیرمستقیم: ادله غیرمستقیم ادله‌ای است که با حق مورد ادعا یا سقوط حق مورد

۱. مدنی، ادله اثبات دعوی، ص ۳۱.

ادعا ملازمه دارد. ممکن است در مواردی اثبات علت و سبب وجود حقی با دلیل مستقیم امکان نداشته باشد و اقامه دلیل مستقیماً امکان پذیر نباشد. در این مواقع، قانونگذار اجازه داده است مدعی با دلایل غیر مستقیم، حق خود را ثابت کند. مثلاً امارات قانونی، مانند اماره تصرف، مستقیماً مالکیت خواهان را ثابت نمی کند؛ چه بسا شخصی در ملکی تصرف داشته باشد، اما مالک آن نباشد. اما وقتی شخصی به صورت متمادی در مالی مدت ها تصرف داشته و در این مدت کسی متعرض تصرفات او نشده است، مطابق قانون، این تصرفات که به عنوان مالکیت بوده، ملازم با مالکیت است. در این فرض، خواهان دلیل مستقیمی بر مالکیت خود اقامه نمی کند؛ بلکه بر امری (تصرف) دلیل اقامه می کند که با حق مورد ادعای او ملازمه دارد، نه اینکه مستقیماً بر آن دلالت کند.^۱

همچنین در «اماره فراش»، مدعی الحاق طفل به شوهر مستقیماً بر انتساب طفل به او اقامه دلیل نمی کند؛ بلکه دلیل بر این امر اقامه می کند که طفل در زمان زوجیت متولد شده است. از طرفی تولد طفل در زمان زوجیت مستقیماً دلالت بر الحاق طفل به شوهر ندارد لکن نوعاً با چنین امری ملازمه دارد. پس مدعی در این مثال مستقیماً دلیلی بر ادعای خود اقامه نکرده، بلکه امری را اثبات کرده است که غیر مستقیم مدعای او را ثابت می کند.

۵-۲-۲. اثبات امر وجودی و امر عدمی

اثبات امر وجودی بدون تردید ممکن است و موضوع هر یک از ادله اثبات قرار می گیرد. سؤال این است که آیا امر عدمی اثبات پذیر است و آیا شخص می تواند بر امر عدمی اقامه دلیل کند یا خیر. ماده ۳۵۳ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مقرر می دارد: «دلیل عبارت است از امری که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد می کنند». این ماده با تغییر مختصر ویرایشی در ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی چنین آمده است: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات یا دفاع از دعوی به آن استناد می نمایند». در مواد مذکور تصریح شده است دلیل عبارت از امری است که برای اثبات اتهام یا در مقام دفاع از دعوی، که در امور کیفری همان نفی اتهام است، به آن استناد می شود. ممکن است گفته شود نفی اتهام امری عدمی است و امر عدمی اثبات شدنی نیست. به نظر

۱. نک: شیخ نیا، ادله اثبات دعوی، ص ۴۰.

می‌رسد این سخن تام نیست؛ چون هر مفهومی باید با توجه به کارکردش در علم خاص خود تحلیل و ارزیابی شود و در فقه و حقوق، نفی بسیاری از امور عرفاً اثبات‌پذیر است و تمام عقلای عالم نیز به آن ترتیب اثر می‌دهند. البته برخی از امور عدمی ممکن است اثبات‌پذیر نباشند. عدمی‌های مطلق از این قسم هستند؛ مانند آنکه به کسی تکلیف کنند بی‌گناهی مطلق خود را اثبات کند یا اثبات کند در تمام عمر مثلاً پنجاه ساله مرتکب هیچ جرمی نشده یا به هیچ کس بدهکار نبوده است. چنین نمونه‌هایی اثبات‌ناپذیر است؛ ولی امور عدمی جزئی و موردی قابل اثبات است. همچنین اثبات مستقیم امر عدمی ممکن نیست؛ ولی اثبات غیرمستقیم امر عدمی بی‌اشکال است.^۱ بنابراین همان‌گونه که این ادله شأنیت اثبات اتهام را دارند، دارای شأنیت نفی اتهام نیز هستند؛ مانند آنکه کسی متهم به قتل شخصی با چاقو باشد و لوث در ارتکاب قتل نیز وجود داشته باشد، ولی متهم دو شاهد بیاورد که در زمان وقوع قتل، خارج از کشور بوده است. در این فرض، شهادت برای نفی اتهام به قتل (امر عدمی) اقامه شده است که موجب از بین رفتن لوث می‌شود. اصولاً یکی از کارکردهای سوگند و قسامه در جرائم علیه تمامیت جسمانی، نفی اتهام قتل و صدمات جسمانی است. اشکالی ندارد نفی اتهام یا نفی ارتکاب عملی ملازم با اثبات امر وجودی باشد و ثمره و ملازمه عقلایی اثبات امری، نفی اتهام باشد که در این صورت نیز نفی اتهام ثابت می‌شود. لازم نیست نفی اتهام همیشه به صورت مستقیم باشد. ماده ۱۷۴ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است». در این ماده تصریح شده است شهادت می‌تواند بر وقوع نیافتن جرم که امری عدمی است، واقع شود. یکی از حقوق‌دانان می‌نویسد: «شهادت [تنها] بر لوازم وجودی امر عدمی مسموع است و دادرس باید از راه احراز آن لوازم، پی به ملزوم ببرد و لوازم عرفی و عادی در این باره کافی است». ^۲ وقتی کسی شهادت می‌دهد که روی میز شراب نبوده است، در حقیقت به دو چیز وجودی شهادت می‌دهد: ۱. میز در مرآ و منظر من بود و بر همه ابعاد آن احاطه داشتم و لیوان شراب را ندیدم؛ ۲. به لازم عقلی و عرفی آن، که نبود شراب روی میز است، پی بردم و به آن شهادت می‌دهم. البته این واسطه بسیار خفی است و لذا عرف شهادت بر عدم را بی‌واسطه

۱. همان، ص ۴۲.

۲. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۹۹.

تلقی می‌کند؛ همان‌گونه که استاد در لیست حضور و غیاب دانشجویان به حضور برخی دانشجویان و حضور نداشتن برخی از آنها گواهی می‌دهد و برای هیچ‌کس این ابهام ایجاد نمی‌شود که حاضر نبودن دانشجو در کلاس امری عدمی است و نمی‌توان به آن گواهی داد. گویند حکیم عارف میرفندرسکی وقتی از کوچه‌ها می‌گذشت، با بچه‌ها هم‌بازی می‌شد و دلشان را شاد می‌کرد. به شاه‌عباس گفتند که جناب میر وقار علم و عالم را پاس نمی‌دارد و سبکی می‌کند. شاه در مجلسی با کنایه به میر گفت: «شنیده‌ایم برخی حکما وقار خود را حفظ نمی‌کنند و با اطفال هم‌بازی می‌شوند؟!» میر بی‌درنگ پاسخ داد: «دروغ به عرض رسانده‌اند. بنده هر روز با بچه‌ها بازی می‌کنم و حکیمی در آن حوالی ندیده‌ام!» این داستان نیز نمونه دیگری از شهادت بر امر عدمی و نفی اتهام است.

۶. وظیفه اثبات دعوی و دلیل

در هر دعوی کسی که ادعا می‌کند، مدعی نامیده می‌شود و طبق قاعده «البینه للمدعی» بار اثبات دعوی نیز بر عهده مدعی است. مشهور فقهای شیعه در تعریف مدعی گفته‌اند: «المدعی هُوَ الَّذِي لَوْ تَرَكَ الدَّعْوَى تَرَكَ الدَّعْوَى؛^۱ مدعی کسی است که چنانچه شکایت را پس بگیرد، نزاع خاتمه پیدا می‌کند». هم در دعاوی کیفری و هم در دعاوی مدنی، اصل بر براءة است. البته مفهوم براءة در امر کیفری و مدنی متفاوت است. براءة در امر کیفری به این معناست که همه مردم بی‌گناه فرض می‌شوند، مگر آنکه جرمشان در دادگاه و به استناد قانون، اثبات شود و براءة مدنی به این معناست که کسی مدیون و بدهکار نیست، مگر آنکه بدهکاری وی اثبات شود. اصل ۳۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اصل براءة است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». ماده ۴ ق.آ.د.ک نیز مقرر می‌دارد: «اصل براءة است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص، جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی، مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی نیز در خصوص مدعی و تکلیف وی مقرر داشته است: «هرکس

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۳۷۱؛ نک: شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ص ۹۰؛ ابن سعید، الجامع للشرائع، ص ۵۳۱.

مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد، اثبات امر بر عهده اوست».

از آنجا که ادعای مدعی خلاف اصل و خلاف ظاهر است، وی باید بتواند با ارائه دلایل مثبت، ادعای خود را ثابت کند؛ چراکه اصل بر براءت اشخاص از هرگونه جرم و هرگونه تعهد یا دینی است و در نتیجه کسی که خلاف آن را ادعا می‌کند، باید با ارائه دلیل، ادعای خویش را ثابت کند. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی نیز همین اصل را تأیید کرده است: «اصل براءت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد، باید آن را اثبات کند. در غیر این صورت، با سوگند خوانده، حکم براءت صادر خواهد شد». چنانچه در صحت یا عدم صحت عمل حقوقی تردید شود، اصل صحت آن است و مدعی خلاف آن باید ادعای خویش را اثبات کند. همچنین هر عقدی که در لزوم یا جواز آن تردید شود، اصالة اللزوم آن را لازم می‌سازد و چنانچه مدعی ادعای جایز بودن یا به هم خوردن آن را دارد، باید ادعای خویش را اثبات کند. همچنین ادعای مدعی خلاف ظاهر است و دادرس باید وضع موجود را صحیح فرض کند و مطابق با واقع بشناسد و کسی که می‌خواهد این وضع را به نفع خود تغییر دهد، باید دلیل اقامه کند؛ چراکه او در مقام اثبات امری بر دیگری برآمده است. برای مثال در دعوی رفع تصرف عدوانی، ظاهر این است که متصرف فعلی استحقاق این امر را نیز دارد، ولی چون مدعی، خلاف چنین ظاهری ادعا می‌کند، باید بتواند ادعای خویش را ثابت کند، در غیر این صورت دعوی او رد خواهد شد. به همین لحاظ در خبر آمده است: «الْبَيِّنَةُ عَلَى مَنْ ادَّعَى وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ ادَّعِيَ عَلَيْهِ»^۱ آوردن بینه با مدعی است و طرف مقابل (مدعی علیه) که منکر ادعای مدعی باشد، با اتیان سوگند موجب رد دعوی طرح شده خواهد شد». و در تکمیل این مطلب گفته‌اند: «نافی را صرف نفی کافی است».

۷. انقلاب دعوی

انقلاب دعوی این است که خوانده در مقابل ادعای خواهان، ادعایی را مطرح می‌کند که او را خواهان می‌سازد و باید ادعای خویش را اثبات کند. هرگاه بعد از طرح دعوی و مشخص شدن خوانده و خواهان، خوانده ادعایی را مطرح کند می‌گویند دعوی منقلب شده و خوانده به

۱. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۱۵.